

بررسی زیباشناسی در معماری معاصر ایران (باتاکید بر بناهای آرامگاهی خیام و کمال الملک)

نرگس پیهانی ، علیرضا خضریان ، معصومه روزبه

پژوهشگر کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران

Email:peyhani_narges@yahoo.com

عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه ، گروه معماری ، دانشگاه آزاد اسلامی ، ملایر ، ایران

Email:alirezakhezryan@yahoo.com

پژوهشگر کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران

Email: maro_tec@yahoo.com

چکیده

معماری معاصر ایران در نظریه معماران بزرگ به دسته بندی های متفاوتی تقسیم شده که نظریات فاصله چندانی با هم ندارند، و زیباشناسی که به امر مهم در معماری و تعریف های متفاوت از زیباشناسی از دیدگاه های فلاسفه و اندیشمندان و معماران که هر کدام به مقتضیات زمان و یا دانش و رویکر های خود تعریفی ارایه کرده اند می باشد، تحولات معماری در گذر زمان و تغییر در تعریف زیباشناسی که خود امری تاثیر گذار بر کالبد و فرم و نوع بناهای معماری می باشد، اینکه یک معمار در دوران تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در زمان پهلوی دوم چگونه توانست فرهنگ و اقلیم و سنت ایران را با نوین بودن معماری و اصول زیباشناسی ادا کند در پژوهش موجود آمده است. با توجه به عنوان مقاله توضیحات کامل و تفسیر پلان آرامگاه های خیام نیشابوری و کمال الملک نقاش معاصر ایرانی که هر دو توسط یک معمار معاصر و برجسته ایرانی طراحی شده اند آمده است. اینکه سیحون چگونه با تفکرات و قلم ارزشمند خود می تواند نگهداری از فرهنگ و اقلیم ارزش گذاشتن بر بزرگان کشور خود از جمله عمر خیام و کمال الملک را برای نسل امروز و حتی آینده ماندگار کند، در نهایت به نتیجه ارزشمندی این آثار در عصر بی هویتی معماری امروز معاصر ایران می رسیم. به اینکه می توان زیبایی را در عین سادگی با عناصر مفهومی زیباشناسی وارد معماری امروز کرد.

کلمات کلیدی: زیباشناسی ، معماری معاصر ، آرامگاه خیام ، کمال الملک

۱. مقدمه

یکی از مهم ترین و تاثیر گذارترین ارکان هویت ساز در همه ارکان فرهنگی و انسانی جامعه را باید زیباشناسی آن جامعه دانست. زیباشناسی نمود ظاهری و معرف و معلول ارزش های زیر بنایی یک فرهنگ است که خود دلالت گر و سمت و سوی تحولات فرهنگی و اجتماعی است. زیباشناسی خود علت شکل دهنده به هویت آینده است و برای هر تحول فرهنگی نقش کلیدی و زیر بنایی دارد، چون بی واسطه و بدون نیاز به آموزش تحصیلی تنها با تکرار و عادت در جامعه نفوذ کرده و آن را تحت تاثیر قرار می دهد. (نقره کار، ۱۳۹۲: ۴۱) بحث در مورد معماری معاصر ایران، اغلب با موضوع نسبت با تاریخ و سیر تکاملی آن همراه است. یعنی در فرهنگ ایرانی به معقوله زیبایی در بناهایی فرهنگی، مسکونی، کوشک ها، مقبره ها، آرامگاه ها و... در طول تاریخ پرداخته شده است، خود در گذر زمان و تحولات تاریخی موجب تغییراتی در شناساندن زیباشناسی فرهنگ بومی ایران داشته، بعد از فراز و نشیب ها و تحولات ایران در دوره پهلوی دوم پا به عرصه دیگری می گذارد، در این دوره معماران ایرانی تحصیل کرده در اروپا و امریکا به کشور بازگشته و تمامی اصول یادگرفته خود را با فرهنگ و اصول معماری و احترام به سرزمین خود یادگارهایی با ارزش باقی می گذارند. در این دوره بناهای آرامگاهی برای نیز به نوبه خود جایگاهی در بین معماران معاصر بزرگ باز میکند، در این میان هوشنگ سیحون به عنوان یک معمار تحصیل کرده بناهای یادبودی در شهرهای ایران بخصوص همدان (بوعلی سینا) نیشابور (خیام، کمال الملک، عطار، مقبره نادر شاه افشار) را به یادگار می گذارد، این بناها با گذشت زمان کمتر از نیم قرن باز هم همان زیبایی و تاثیر مثبت در دید روانی بیننده را می گذارد، هنگامی که یک معمار تاریخ بداند، اصول را بداند، قوانین را بداند مطمئناً می تواند اثری ارزشمند همانند آرامگاه خیام و کمال الملک خلق کند.

زیباشناختی بسیار عمیق و گسترده است که در این پژوهش به بررسی زیباشناسی آرامگاه خیام و کمال الملک می پردازیم. زیبایی در فرم این آرامگاه و تاثیر این پیام بر دید بیننده، پلان و فرم این آرامگاه و جایگاه آن موضوعی که مورد پژوهش قرار می گیرد. تاثیر زیبایی و معماری دو معقوله جدایی ناپذیر که در تاریخ معماری و عقاید بزرگان و معماران به آن پرداخته شده است، اولین کسی که به زیبایی در معماری پرداخت و تیتروویوس بود که در کتاب اول خود از ۱۰ کتاب خود به این موضوع اهمیت داده است و یکی از فیلسوفان بزرگ افلاطون اولین کسی بود که زیبایی را تعریف کرد. ارتباط زیبایی و معماری به عرصه مهندسی وارد می شود و در کشتی سازی و پل سازی و حتی ادا مقام سازه و معماری وارد می شود. لوکوربوزیه کسی که زیبایی و زندگی ماشینی را با هم تعریف می کند. در معماری معاصر ایران آثار و بناهایی دیده می شود که هر یک با تفسیر و شکافته شدن چه سمت پژوهشگران و چه نظریات خود طراحان و خالقان اثر به معقوله زیبایی پرداخته اند، و تاثیر بناهای سنتی و حفظ فرهنگ در عین مدرن بودن، با انسان معاصر ارتباط برقرار می کند، بخصوص بناهای آرامگاهی که هوشنگ سیحون در ایران ساخته خود ارتباط بصری و مفهومی با انسان امروز برقرار کرده است. معماری معاصر ایران خوب پیشرفت می کند.

۲- روش تحقیق

تحقیق و مطالعه بر اساس کتب و آثار ارزشمند معماری معاصر در ایران، این پژوهش یک نکته اصلی و مهم داشت که می بایست به بررسی آرامگاه در دوره پهلوی دوم می پرداختیم که با توجه به توجه به مطالعات میدانی و وجود داشتن این بناها در حال حاضر خود کمک شایانی می کرد.

۲-۱ فرضیه تحقیق

زیبایی از دیدگاه انسان و خالق اثر معماری، در فرهنگ ها و کشورها تعریفی یکسان داشته، که همگی به تناسب بر می گردد، اما با توجه به فرهنگ ایران و وجود اندیشمندان و بزرگان ریاضی و نجوم در طول تاریخ، به طور حتم باید این زیباشناختی با فرهنگ و شخصیت مورد مطالعه برای ساختن بنای یادبود و آرامگاه همخوان و هماهنگ باشد. اینکه چگونه بتوان با نگاه کردن به آن بنای آرامگاهی زیبایی و فرهنگ و شخصیت آرامگاه را شناخت همه به دست و تفکر معمار دارد.

۲-۲ هدف تحقیق

رسیدن به یک موضوع مهم ، اینکه چگونه یک بنا یا آرامگاه با گذشت چندین سال از بناشدن خود، همچنان زیبایی و تاثیر عمیق خود را بر بیننده می گذارد و اینکه هوشنگ سیحون چگونه توانست بناهای خلق کند که معرف شخصیت و حیطه علمی خود صاحب آرامگاه باشد. زیبایی و تناسب در این بناها همان قدر که توجه به فرهنگ و اصول معماری است همان قدر با تکنولوژی زمان خود (دوره پهلوی دوم) در بنای آرامگاه خیام و همچنین فرم و اصول ساخت آرامگاه کمال الملک داشت.

۲-۳ ابزار گردآوری اطلاعات

موضوع پژوهش که معماری معاصر است غالب کتاب ها و مقاله های ارائه شده در این زمینه مربوط به نظریه پردازان و نویسندگان داخل ایران است، و نکته زیباشناسی که باید به جزوات تاریخی و فلاسفه و معماران مراجعه می شد و اقدام این دو برای بررسی اثر در ایران، که به عنوان یاد بود از بزرگان ایران است در پژوهش موجود ارائه می شود.

۲-۴ آمار و نتایج به دست آمده از شناخت زیباشناسی در معماری معاصر

معماران معاصر با رویکرد های متفاوت خود و ایران و جهان و همچنین فلاسفه و بزرگان اندیشمند هر یک تعریفی بر زیباشناسی می کنند که اشاره ای مختصر در جدول زیر بر تعریف هر کدام می کنیم.

جدول (۱) زیباشناسی از دیدگاه معماران معاصر، مآخذ نگارنده

معمار	رویکر	نظریات
-------	-------	--------

لوکوربوزیه	زیباشناسی نو گرای	عملکرد گرای ، تعریف زیباشناسی معماری و زیباشناسی مهندسی که در اصول اولیه یکی هستند، مهندس به تبعیت از قانون صرفه جویی و با هدایت محاسبات زیباشناسی معماری: معماری بازی با اشکال نظمی به وجود می آورند که تنها زاییده ذهن است با کمک فرم ها به طور مدام در صدد برانگیختن احساس است
چارلز جنکز	زیباشناسی پست مدرن	معماری جدید خلاق و خود تنظیم می شود، زیبایی برای زیبایی و هنر برای هنر، در معماری معاصر زیبایی بر خاطر خود و جهان درونی اش رواج بیشتری یافته.
پیتر آیزن	زیباشناسی جریان نوین	در معماری معاصر به دو دسته تقسیم کرد: زیبا گرای: زیبایی را بیشتر در خروج از حوزه منطق و عقل می بیند زشت گرای: را نیز در کنار زیبا گرای یا با ترکیب آن توصیه
فرانک گهری	زیباشناسی جریان نوین	اگر ذات نگر باشیم باید بدانیم که برای معمار هنرمند، هیچ منبع زیبایی شناختی به اندازه درک قانون طبیعت بار آور و الهام بخش و مفید نیست.
فرانک لوید رایت	ذات گرای	ذات گرای به هستی اهمیت فراوان به طبیعت (به جای تاریخ و جامعه یا معبود) زنده بودن اثر

در جدول شماره ۱ به تعداد محدودی از معماران معاصر اشاره شدو در جدول شماره دو به نظریات تعداد محدودی از فلاسفه و اندیشمندان در خصوص زیباشناسی می پردازیم.

جدول (۲) زیباشناسی از دیدگاه دانشمندان وفلاسفه ،گروتز، ۱۳۹۰: ۹۹

افلاطون	معتقد بر دو نوع زیبایی ۱- زیبایی طبیعت و موجودات زنده ۲- زیبایی هندسه (مطلق است)
ارسطو	حسی عینی که هم بر احساس و هم بر ادراک دلالت دارد
ویتروویوس	زمانی ساختمان نمایی خوش آیند دارد که تقارن اجزا آن به درستی حساب شده باشد. او به شش عامل اساسی زیبا شناختی در ساختمان اشاره میکند.
پلوتین	برخلاف نظر افلاطون می گوید: زیبایی فقط تجربه معنوی است و سرچشمه آن روح است.
اگوستینوس	همانند نظریه هندسه افلاطون، زیبایی در فرم هایی وجود دارد که زاییده اعداد باشند.
لئون باتیستا آلبرتی	هماهنگی و همخوانی بین اجزا که به وحدتی منجر شود بر اساس عدد و نسبت و نظم خاص است؛
آندره آ پالادیو	همانند نظریه ویتروویوس که کار آیی و ایستایی و زیبایی سه عاملی که بنا را قابل ستایش می کنند.
کانت	تنها سلیقه است که زیبا را از نازیبا مشخص می کند.
هگل	زیبایی هنری برتر از زیبایی طبیعی، زیرا زیبایی هنری زاییده روح است.

۳- پیشینه تحقیق زیبایی شناسی در علوم معماری

در زمینه زیباشناسی تلاش های بسیاری در قرون متفاوت شده که جمع بندی آن ها در کتب و نشریه ها ومقاله های متفاوت آمده است، در زمینه معماری معاصر ایران نیز همگی اهمیت علمی دارند که در کتاب های متفاوت بخصوص بزرگان معماری آمده است. ابتدا پیشینه زیباشناسی و سپس معماری معاصر دوره پهلوی در این بند توضیح داده می شود.

بیش از دوهزار سال است آنچه راکه زیبا بوده نقش وثبت شده است. از ابتدا دو نوع زیبایی وجود داشته که تا به امروز هم چنان حفظ شده است. زیبایی طبیعی و زیبایی هندسی، همان نظریه افلاطون که به عنوان اولین کسی بود که زیبایی را تعریف کرد. در گذر زمان همین تعریف والفاظ کمی تغییر کردند به نحوی که زیبایی هندسی افلاطون را هگل زیبایی هنری، و لوکوربوزیه زیبا شناختی مهندسی نامیدند. از قرن هجدهم مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روانشناسانه به خود می گیرد؛ (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۱۱) کار مهندسان تا مدت ها رابطه ای با هنر نداشت پس تابع سلیقه هم نبود.

پس زیبایی شناسی یک موضوع مهم در علوم متفاوت بوده و هست، در هنرهای متفاوت و بخصوص در معماری، این شناخت و تعاریف زیبایی، می بینیم که ارتباط آن با معماری چه تاثیری بر ساختمان ها در طول تاریخ گذاشته است. در ایران هم زیبایی یه موضوع مورد بحث و مفهومی بود که در بناهای ایرانی و اسلامی دیده می شود، اما با توجه به موضوع عنوان این مقاله و فاصله نگرفتن از موضوع به دوره پهلوی دوم که معماری بعد از مدتی دوباره جان میگیرد و به طور مهندسی توسط تحصیلکردگان این رشته رونق میگیرد می پردازیم و اما معماری معاصر ایران در دوره پهلوی که در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی را از بسیاری جنبه ها می توان نقطه ی عطفی در تاریخ معاصر ایران دانست. این دوران اوج گرمی بازار بومی گرای و تاریخ گرای در محافل علمی کشور بود و عمدتاً از دو عامل مهم حمایت می شد. عامل اول به شدت متأثر از معماری غرب که سعی در ایجاد بناهایی با کالبد نوین و استفاده از مصالح مدرن داشت و دیگری گرایش به بوم گرای فرهنگی بود، معماران این رویکرد در جستجوی یافتن معماری خودی بودند. اینکه انواع معماری آرامگاه های ایران در دوره معاصر شامل آرامگاه ها (نشانه شهری، مونومان، یادمان) مجموعه باغ موزه و مجموعه های آرامگاهی می باشند. ابنیه آرامگاهی بررسی شده عبارتند از: آرامگاه های: حافظ در شیراز، ابن سینا در همدان، فردوسی در توس مشهد، میرزا احمد نیریزی در نیریز، نادرشاه در مشهد، کمال الملک در نیشابور و یادمان خیام در نیشابور

۴ بیان مساله

۴-۱ معماری معاصر ایران

در مورد آغاز معماری معاصر ایران، هنوز هیچ اتفاق نظری وجود ندارد. بعضی سال ۱۳۰۰ هجری شمسی را، که مقارن با شروع دوره پهلوی اول و همزمان با اقدامات و اصلاحات تجددگرایانه اوست، به عنوان نقطه عطف تاریخ معماری معاصر به شمار آورده اند، که این به طور ضمنی در بین همگان پذیرفته شده است و معمولاً هم به آن استناد می شود. بعضی دیگر تاریخ انقلاب مشروطه را که با تغییرات سیاسی و اجتماعی در ایران همراه است، نقطه عطف و آغاز معماری معاصر می دانند. آنچه که بدیهی است، آغاز تحولات و جریان فراگیر معماری معاصر ایران را باید از زمان قاجار که مقارن با جریان های نوظهور معماری است دنبال کرد و از طریق مشخصه های معماری و بناهای شاخص و زمینه ساز تاریخی، به تعیین نقطه آغاز معماری معاصر ایران پرداخت. (فرهی، ۱۳۷۸: ۶۷) شروع معماری معاصر ایران را می توان از حدود سال ۱۳۰۰ به بعد تصور کرد. این زمانی است که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران تغییر کرد، سیمای شهر ایران متحول شد و بناهای لازم برای زندگی جدید مانند ادارات، کارخانجات، بانک ها، ایستگاههای راه آهن، دانشگاهها و جز اینها، و همچنین واحدها و مجموعه های مسکونی جدید در شهرها به وجود آمدند. این بناها برخلاف بناهای قبل از تاریخ معاصر که بدست معماران سنتی طراحی و ساخته می شدند، به تدریج به دست معماران تحصیل کرده طراحی گردیدند. این عده را ابتدا معماران غیر ایرانی تشکیل می دادند و سپس اندک اندک معمارانی که در مدارس معماری

خارج از ایران تحصیل کرده بودند و بدنبال آن با ایجاد اولین مدرسه معماری ایران در حدود سال های ۱۳۲۰، معماران تحصیل کرده ایرانی نیز به آنها اضافه شدند (میرمیران، ۱۳۷۸: ۴۱)

۴-۱- تقسیم بندی معماری معاصر ایران

می توان چهار مقطع برای معماری معاصر ایران به شرح زیر پیشنهاد کرد:
مقطع اول: عهد ناصری ۱۲۵۴ ه.ش تا پهلوی اول ۱۳۱۳ ه.ش (۱۸۷۵ میلادی) تا (۱۹۳۴ میلادی)
مقطع دوم: دوره پهلوی اول ۱۳۱۴ ه.ش تا پهلوی دوم ۱۳۳۲ ه.ش (۱۹۳۵ میلادی) تا (۱۹۵۳ میلادی)
مقطع سوم: دوره پهلوی دوم ۱۳۳۳ ه.ش (پهلوی دوم) تا ۱۳۴۹ ه.ش (۱۹۵۴ میلادی) تا (۱۹۷۰ میلادی)
مقطع چهارم: پهلوی دوم تا جمهوری اسلامی ۱۳۵۰ ه.ش تا به امروز (فرهی، ۱۳۷۸: ۷۳)

۴-۲- تعریف زیبا شناسی

در مبحث زیبایی شناسی اولین پرسشی که ذهن نگارنده را به خود مشغول گردانیده، تعریف واژه زیبایی است. واژه Aesthetics در سالهای نیمه قرن هیجدهم توسط فیلسوف آلمانی بومگارتن از ریشه یونانی Aisthetikos که به معنای ادراک حسی است. متولد شد و به سایر زبان های اروپایی وارد شد استتیکز به معنای نظریه هنر آزاد، آئین، آگاهی فرو دست، هنر زیبا اندیشیدن، هنر قیاسی خرد، و همان علم آگاهی محسوس است. زیبایی شناسی در لغت به معنای شناختن زیبایی و آن رشته ای است از روانشناسی، هدف. زیباشناسی شناساندن جمال و هنر است که درباره احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل و فکاهت و .. گفتگو می کنند. زیبایی هم در صورت و هم در ذهن است. زیبایی شناسی دارای طیف گسترده ای است که بخش عمده ای از آن مربوط به مباحث معنایی و نشانه ای است. آنچه در بیننده و مخاطب حس زیبا را فراهم می کند، تحقق خلاقیت در شیء زیبا می باشد. (کریمی مشاور، ۱۳۹۲: ۹۳)

۴-۳- زیبا شناسی در معماری

معماری نظامی معنوی است که در ساختمان ها تجسم یافته و اغلب سعی می شود به بهانه این که ساختمان برای یک عملکرد خاص ساخته شده است، از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند. معماری که تنها به خاطر نفس معماری باشد اصلاً وجود ندارد به این ترتیب، هر ساختمانی یک شاهد فرهنگی است. (گروتز، ۱۳۸۱: ۱۲) وظیفه هر بنا به عنوان جزیی از فرهنگ معماری، عینیت بخشیدن به یک اندیشه (ذهنیت) به وسیله ظرف خاص آن است. انسان از زمانی که به معماری مبادرت ورزیده، به نیازهای روحی و باطنی و حس زیبایی شناسی نیز توجه داشته است. در تحلیل اثر معماری بدیعی که در زمره آثار ارزشمند قرار گرفته است، بی گمان مفهوم وجودی به نام زیبایی نیز در کل و جزء پیکره آن وجود دارد. هماهنگی و تعادل بین پیرایگی و زیبایی، با مشاهده یک اثر معماری وبا در نظر گرفتن اصول و مبانی نظری، مانند بهره وری، کاربری، دوام انتخاب مصالح، هندسه موزون و ساختار پایدار مشخص می گردد، که پدیده ای به نام زیبایی در آن

نهفته است. (نجاری بانی ، ۱۳۹۴) معمار به کمک فرم ها به طور مداوم در صدد بر انگیختن احساس انسانهاست .او میخواهد مقیاسی را بنمایاند که به وسیله آن بایستی نظام دنیا را سنجید. (گروتز، ۱۸۳۱: ۱۰۴)

۴-۴ معیار های اصلی زیبایی در معماری

معیارهای اصلی زیبایی در معماری دنیا و سبک ها متفاوت تا حدودی اصول مشترکی دارند، در زیر به صورت محدود به عناصر زیبایی می پردازیم.

۴-۴-۱ فرم و صورت: اگر بخواهیم نظمی در دنیای بی نهایت وسیع فرم ها به وجود آوریم، اولین قدم تقسیم فرم هابه دو دسته هستند:

۱- با قاعده: تابع قوانین هندسه هستند؛ دارای استخوان بندی یا ساختار هستند، پیام این فرم ها دارای حشو زیاد است به دلیل اینکه این فرم ها دارای قابلیت پیش بینی زیاد هستند. ذهن می تواند با اطلاعات بسیار کمی این فرم ها را تکمیل و باز سازی کند.

۲- فرم های بی قاعده: این فرم ها فاقد ساختار هستند، فرم هایی که قابلیت پیش بینی ندارند؛ اما باید فرم های بی قاعده را بر اساس قانون تجربه در ارتباط با فرم های نظیرش می بینیم یعنی تصویری را در ذهن ما تداعی می کنند. (گروتز، ۱۳۹۰: ۲۷۸)

۴-۴-۲ نور و رنگ: مکانی که در آن رنگ بکار رفته - فرهنگ - عوامل اجتماعی و روانی

۴-۴-۳ علایم و نمادها: بیان محتوای معنوی یک نماد یا به عبارتی وسیله ای که هرچیز روانی را قابل و احساس می کند؛ توجه به رنگ ها توجه به نوع مصالح، نورپردازی

۴-۴-۴ تزئین: بیشتر بعد ظاهری دارد و می توان گفت تاکید بر فرم می کند.

۵ نمونه های بررسی شده

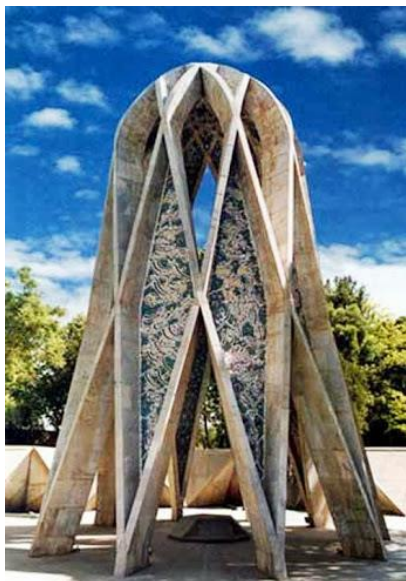
۵-۱ بنای یادمان خیام

در سال ۱۳۳۵ خورشیدی از سیحون خواسته شدوضع موجود آرامگاه خیام را به نحوی که بنایی در خور شخصیت علمی وهنری خیام باشد، طراحی کند. که سیحون بعد از برداشت از محل و تحقیق محل آرامگاه و کروکی لازم متناسب با محل جدید تهیه کرد. محل جدید آرامگاه را انتخاب کرد. ((سیحون در ارتباط با جابجایی آرامگاه خیام چنین گفت: چون محل قبلی و یان همان آرامگاه موجود در چسبیده به بقع امامزاده محمد محروق است و هر گونه علمی در آن محل نمی تواند استقلال و برجستگی به مقبر خیام بدهد.)) (بانی مسعود ، ۱۳۹۱: ۳۰۶) ارتفاع مقبره ۲۲ متر و استخوان بندی اصلی آن فلزی، محاط در پوشش بتنی است. بنا در پایین، تقسیم بندی ده گانه دارد و فاصله پایه های آن از هم پنج متر است. اشکال هندسی منظم روی بدنه گنبدی به وجود می آورند که قسمت عمده آن مشبک و توخالی و یادآور ستاره ای است که نماد شخصیت علمی و خیام منجم تلقی می شود. سیحون در خصوص خیام چنین می گوید: خیام در واقع سه شخصیت دارد: ریاضی دان

است- منجم و شاعر که باید هر سه شخصیت در بنا نشان داده میشد. دایره کف، به ۱۰ قسمت تقسیم شد بطوری که برج یادبود بر ۱۰ پایه مستقر باشد؛ عدد ۱۰ اولین عدد دو رقمی ریاضی و پایه بسیاری از اعداد است. از هر یک از پایه ها دو تیغه مورب به طرف بالا حرکت می کند، به ترتیبی که با تقاطع این تیغه ها حجم کلی برج در فضا ساخته می شود و چون تیغه ها مورب اند خطوط افقی آن ها باید ناظر به محور عمودی برج باشد. پس تیغه ها به صورت مارپیچ شکل به طرف بالا حرکت می کنند تا با هم تلاقی کنند و از طرف دیگر سر در بیاورند که خود یک شکل

پیچیده ریاضی و هندسی است. این شکل با عدد ۱۰ هر دو سمبل دانش ریاضی خیام اند. بر خورد تیغه ها با یکدیگر فضاهای پر و خالی و بخصوص در بالاستاره های درهمی را به وجود می آورند که از لابلای آن ها آسمان آبی نیشابور پیداست و به تدریج به طرف نوک گنبد ستاره ها کوچک تر می شوند و تا آخر یک ستاره پنج پر آن ها را کامل کند. این ستاره ها و آسمان، اشاره به شخصیت نجومی خیام دارد. و اما برخورد تیغه ها با هم ۱۰ لوزی بزرگ می سازند که باید با کاشی کاری پر شوند. بهترین تزیین خود رباعیات خیام بود که به صورت خط شکسته و در هم به روش سیاه مشق های خطاطان بزرگی چون میر عماد و بعضی استادان شکسته نویس با کاشی به صورت نقوش انتزاعی سرتاسر لوزی ها را پر کند. (شکل ۱)

دور تا دور برج در قسمت اختلف سطح چشمه سارها در اطراف یک دایره وسیع به مرکز خود برج ساخته شد همه از سنگ گرانیت با اجزا مثلثی شکل و تورفتگی و برون آمدگی هایی که تا اندازه های شکل خیمه را تداعی میکنند و این اشاره به نام خیام است چون پدر خیام خیمه دوز بود، نام او به همین مناسبت انتخاب شد (شکل ۲)



شکل (۱) خوشنویسی در بدنه آرامگاه خیام، ماخذ: آرشو نگارنده شکل (۲) فرم آرامگاه حکیم عمر خیام، ماخذ: آرشو نگارنده

از طرف دیگر حوض ها با کاشی فیروزه ای که در مجموع قسمتی از ستاره را نشان میدهند به تعداد ۷ پر به مفهوم ۷ فلک و ۷ آسمان و ۷ تپه باز اشاره به افلاک و نجوم دانش دیگر خیام است. (شکل ۳) مجموعه در یک حال و هوای شاعرانه با درختان تنومند در اطراف ساخته شد و همان طور که خواست خود خیام بوده کاملاً باز است و مزارش بهاران گل افشان (بانی مسعود، ۱۳۸۹: ۶۳)



شکل (۳) شمسه در سقف آرامگاه حکیم عمر خیام ، ماخذ: آرشيو نگارنده

۵-۲ آرامگاه کمال الملک

سیحون همزمان، طرح بازسازی و مرمت آرامگاه عطار و طرح بنای جدید آرامگاه کمال الملک را به انجمن آثار ملی پیشنهاد کرد. در ۱۳۳۲ به شرکت کا.ژ.ت واگذار شد و در اسفند ۱۳۴۲ رسماً گشایش یافت مقبره کمال الملک در ضلع شمالی مقبره عطار با بتن مسلح بنا و با زیربنای ۲۲ مترمربع ساخته شده و شش ایوانچه مقعر آن یا پوشش کاشی معرق به رنگ های لاجوردی، سفید و ... تزئین شده است.

سیحون در خصوص این بنا و ایده طرح خود چنین می گوید: این بنا در نقشه از دو متر مربع تشکیل شده و تناسب یک بر دو را دارد. برای هرواحد یعنی هر ضلع مربع در نما یک قوس در نظر گرفته شد که در چهار ضلع مستطیل شش قوس زده شده است علاوه بر این دو قطر هر مربع دو قوس دیگر تشکیل می دهند که از داخل با هم تلاقی می کنند. پس چهار قوس هم از داخل زده شده که مجموعاً می شود ۱۰ قوس. برخورد آنی قوس ها و پوشش آن ها در بالا اشکال هندسی مخروطی شکلی را بوجود آورده اند. که ابتکاری است هندسی و با تزئینات کاشی معرق روی آن ها، معماری کاشان، یعنی محل نشو و نمای کمال الملک، یادآوری می شود. سنگ روی مزار از دو قسمت مرتفع و خوابیده ولی یکپارچه تراشیده شده که روی قسمت مرتفع چهره کمال الملک بصورت نقش برجسته توسط آقای ابوالحسن صدیقی حجاری شده. بنا و پوشش آن از بتن مسلح است. (شکل ۴)

این بنا در نقشه از دو مدول پیمون مربعی شکل تشکیل شده است که مستطیلی با تناسب ۲ بر ۱ را می سازند. اضلاع مربع در نما با یک قوس نیم دایره خود نمایی میکنند؛ حجم بنا از قوس هایی متقاطع که روی اقطار مربع زده شده اند پدید آمده که این قوس های متقاطع، طاق های چهاربخش را که در معماری سنتی ایران بسیار دیده شده اند را تداعی می کنند.



شکل (۴) آرامگاه کمال الملک نقاش معاصر ایران ، ماخذ: آرشيو نگارنده

۶ نتیجه

در زیباشناسی معماری معاصر ایران باید به ارزش های هویتی ایرانی وارزش دانشمندان وفلاسفه بزرگ و تاثیر آن ها بر علوم مختلف در طول تاریخ و همچنین تاکید بر کالبد نوین معماری، مطالعه و آموزش ها همچنان ادامه داشته باشد(سیحون با دانستن تاریخ وفرهنگ وترکیب آن با مدرن ومعماری مدرن توانست آثاری بارز در ایران خلق کند)، چرا که معماری و تکنولوژی با سرعتی شگفت انگیز در حال حرکت است که تمامی ابعاد زندگی و از جمله معماری را در بر گرفته است که به طور حتم کار راحتی برای طراح معمار نیست که بتواند الگوهای سنتی معماری ایرانی را به صورت فرهنگ نامه ای در آثار جدید و مدرن چنان به نمایش بگذارد که در آینده هویت و فرهنگ ومدرن بودن خود را حفظ کند. در رابطه با به کارگیری پیشینه تاریخی در معماری مدرن کنونی وهماهنگی آن با هویت مردم ایران باید همانند اثر ماندگار هوشنگ سیحون استفاده مناسب از فرهنگ بومی واقلمی و تکامل آن را با روح زمان اقدام کرد، همانند بنای یادبود حکیم عمر خیام، که چگونه توانسته با تزئینات وفرم وهندسه و رنگ شخصیت آرمیده را به نمایش بگذارد. اما آرامگاه کمال الملک که بیشتر به قوس و رنگ توجه شده و نزدیکی این بنا با آثار معماری اسلامی ما در مساجد ومدراس . همان قوس که در مساجد بود در این بنا به فرمی نوین تبدیل شده وتکامل حجم خود پیام معماری نوین در غایت فرهنگ وسنت معماری بومی معاصر ایران را دارد. بنای آرامگاه خیام در معماری معاصر و جریانات مهم در دوران خود، جز آثار جاویدان به حساب می آید چرا که توجه به تمام ساحات معماری در طراحی و ساخت آن نهفته شده است. اما آرامگاه کمال الملک که از مفاخر هنر نقاشی ایران امروز است در پژوهش خود نظم در فرم آرامگاه و نوع نقاشی این استاد دیدیم، شاید بتوان گفت هوشنگ سیحون در عین نظم و حرکت در نقاشی توانسته این دو معقوله را وارد طرح بنای آرامگاه کند. به عنوان پژوهشگر در این معقوله به این موضوع نزدیک شدم که پیام سکون و آرامش در آرامگاه کمال الملک به هنر نقاشی او و تعبیدش به نیشابور ارتباطی باشد، که شاید حرکت قلم و بینش خود سیحون هنگام طراحی طبق مطالعات وپژوهش هایش در زندگی نامه وآثار این نقاش، بی تاثیر نبوده.

۷ مراجع

- بانی مسعود، امیر، (۱۳۹۱)؛ معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته، تهران، جلد پنجم، نشر هنر معماری قرن.
بانی مسعود، امیر، (۱۳۸۹) آرامگاه های یادمانی هوشنگ سیحون، مجله معمار، شماره ۶۳.
تقوایی، سید حسین، (۱۳۹۱)، از سبک تا هویت در معماری، هنرهای زیبا، معماری وشهر سازی، شماره ۲، دوره ۱۷، ص ۷۳-۶۵.
فرهی، فرشاد، (۱۳۷۸)؛ محور وجریان معماری، مجله معماری وشهرسازی، شماره هشتم.
کریمی مشاور، مهرداد، (۱۳۹۲)؛ رویکرد هاوروش ها در زیبایی شناسی شهری، باغ نظر، شماره ۲۴، سال دهم، ص ۷۳-۸۲.
گروتر، یورگ، پاکزاد جهانشاه، همایون، عبدالرضا(۱۳۹۰)؛ زیبایی شناسی در معماری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
منصور پور، مجید، فرشیدی، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی همخوانی معماری معاصر ایران با هویت ایرانی، اولین همایش ملی وشهرسازی در گذر زمان
نجاری نابی، رعنا، رضایی، باعثه،(۱۳۹۴) بررسی زیباشناسی از دیدگاه نظریه پردازان در معماری معاصر و دوران اسلامی، کنفرانس بین المللی انسان ومعماری عمران وشهر، تبریز
نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۹۲)؛ حکمت هنر ومعماری اسلامی، تهران، دانشگاه علم وصنعت.